



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۱۳ آگست ۲۰۲۲

حمید انوری

## معنی تمهید

چندیست که هموطنی تحت نام "تمهید سیلانی" در یکی دو سایت قلم میزند و گاهی از آسمان گز میکند و گاهی هم از ریسمان که ما را به نوشته ها، گز کردندها و آسمان و ریسمان های او کاری نیست و حق مسلم اوست تا افکار خویش روی کاغذ ریزد و یا در سایت های مختلف منتشر کند، اما چون قلم را شرافتی است و اگر به گونه ای کس یا کسانی، شرافت و قداست قلم را به یک نوع یا نوع دیگر پامال کند، نباید خاموش نشست و نظاره گر بود.

**چون قلم در دست غداری بود بیگمان منصور بر داری بود**

چون شناخت این کمترین از این هموطن متذکره در حد کافی نیست و در مورد شخصیت شان قضاوت کرده نمی توانم، پس بر آن شدم تا لااقل معنی نام "تمهید" را دانسته شوم، چون همین هموطن چند روز قبل در یکی از نوشته های خود تلاش ورزیده بود تا فرد شرف باخته و وجدان مرده به نام "سلیمان لایق" نالایق را که خدایش نیامرزد، به کرسی علما و فضلا نشانده و یا در حقیقت، "نه کرسی اندیشه را زیر پا گزارده" تا بوسه بر رکاب سلیمان نالایق بزند. پس بر آن شدم تا لااقل معنی نام این هموطن را دانسته شوم.

"تمهید" یک نام، یا اسم و یا هم یک اصطلاح تازه و غیر معمول می نماید، جهت معنی آن به اینترنت مراجعه نمودم که نتیجه چنین بود:

تمهید /tamhid/

معنی

۱. آماده کردن.
۲. مقدمه چیدن.
۳. [قدیمی] آسان ساختن.

۴. [قدیمی] گسترانیدن.

۵. [قدیمی] هموار کردن.

فرهنگ فارسی عمید

و من اما دانسته نشدم که چرا یک مادر نام فرزند خود را "تمهید" گزارد. چگونه می شود نام یک فرزند را، آسان ساختن، گسترانیدن، هموار کردن و...، گذاشت؟! آن فرزند چه را آماده کرده بوده است و یا هم مقدمه چه چیزی را چیده بوده است؟

و چون بیشتر جست و جو کنیم، بیشتر به شک می افتیم که کدام مادری، اسم فرزند خود را "تمهید" می گزارد و باز هم جهت معلومات بیشتر گوگل را می شگافیم و نتیجه چنین می شود:

تمهید

لغت نامه دهخدا

تمهید. [ تَ ] (ع مص) نیک گسترانیدن. (زوزنی) (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (غیاث اللغات). گستردن. (منتهی الارب) (دهار) (آندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد). هموار و نیکو کردن کار را. (منتهی الارب) (غیاث اللغات) (آندراج) (ناظم الاطباء). راست کردن: و ترفیه درویشان و تمهید اسباب معیشت... به عدل متعلق است. (کلیده و دمنه). و نیز شاید بود که کسی را برای فراغ اهل و فرزندان و تمهید اسباب معیشت ایشان به جمع مال حاجت افتد. (کلیده و دمنه). و کوشش اهل علم در ادراک سه مراد ستوده است: ساختن توشه آخرت و تمهید اسباب معیشت. (کلیده و دمنه). هر دو به تقریر این حال و تمهید این قاعده پیش ایلک خان رفتند. (ترجمه تاریخ یمنی چ ۱ تهران ص ۱۸۴). در ضبط احوال و کفالت امور و سیاست جمهور و تمهید بساط معدلت و تقریر مصالح مملکت یدببضا نمود. (ترجمه تاریخ یمنی ایضاً ص ۳۱۲). در ترتیب و تبجیل قدر و تمشیت کار و تمهید رونق او بهمه غایتی برسید. (ترجمه تاریخ یمنی ایضاً ص ۴۳۸). || عذر نهادن. (زوزنی). عذر گسترانیدن. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد).

- تمهید عذر؛ آوردن عذر. اظهار عذر. ساختن عذر. (زمخشری، یادداشت به خط مرحوم دهخدا):  
مرا اندازه تمهید عذر آن کجا باشد  
ولیکن چون کنم لنگی همی پوشم بر هواری.

حال سوال ایجاد می شود که از تمام نام های عالم، چرا مادری "تمهید" را برگزیده است، یا هم پدري و بزرگ فامیل یا ملای مسجد، یا عمه کوکو و بی بی خوردی و یا هم شیرآغا و شرینگل ای و...،

به چنین نتیجه ای رسیده باشند و لغت نامه ها را زیر و رو کرده باشند و عاقبت در تقدیر نوزادی قرعه فال چنین خورد باشد. و یا هم اینکه این نام، یک نام واقعی و اصلی نبوده، بلکه یک اسم مستعار است.

ای قلم هستی بسی زیبا گهر

برگرفته علم از تو بال و پر

هیچ می دانی که والایی قلم

چون خدا بر نام تو خورده قسم